

# رَه توشه‌ای از دعای مکارم الأخلاق<sup>۱</sup>

را کبیر و خودخواهی نامیدی، و بر دعا نکردن به  
دخولِ دوزخ با خواری تهدید فرمودی»<sup>۴</sup>.  
در دعا انسان نیاز خود و بی‌نیازی و قدرت  
آفریدگار را با هم در دل دارد و بعد از او کمک  
می‌طلبند، و این حال روح عبادت است؛ یعنی  
فقر و ناتوانی بنده و غنای آفریننده را باور داشتن.

## فاطمه رکنی یزدی

بُعِثْتُ لِأَتَمِّمْ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ (پیامبر اکرم ﷺ)

یکی از ابواب معارف شیعه دعاست. دُعا که  
خواندن خدا و یاری خواستن برای برآوردن  
نیازهاست از عبادتهای مهم اسلامی، بلکه مُخ و  
مغز عبادت است که ریشه در قرآن دارد، مانند «و  
قَالَ رَبُّكُمْ اُدْعُونِي اَسْتَجِبْ لَكُمْ اِنَّ الَّذِي يَسْتَكْبِرُونَ  
عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ»؛ و  
پروردگارتان فرمود: «مرا بخوانید تا شما را  
اجابت کنم. در حقیقت کسانی که از پرستش من  
کسبر می‌ورزند به زودی خوار در دوزخ  
درمی‌آیند»<sup>۲</sup>.

چنان‌که از آیه برمی‌آید و در تفسیرها هم ذکر  
شده<sup>۳</sup> مقصود از «عبادت» دعاست. امام علی بن  
حسین علیه السلام نیز به این نکته اشاره می‌فرماید:  
«پروردگارا! نیایش و دعا را عبادت و ترکش

۱- این نوشتار بخشی از تحقیق مفصلی است که  
نویسنده دربارهٔ صحیفهٔ سجاده انجام می‌دهد، تا  
عرفان عملی را از دیدگاه حضرت سجادت علیه السلام نشان  
دهد.

۲- مؤمن (۴۰) / ۶۰، قرآن مجید. ترجمه استاد محمّد  
مهدی فولادوند، دارالقرآن الکریم، قم، ۱۳۷۶.

۳- دربارهٔ تفسیر «عبادة» به دعا در آیهٔ مذکور بنگرید به:  
الفصل بن الحسن الطبرسی. مجمع البیان فی تفسیر  
القرآن، تصحیح و تحقیق السید هاشم الرسولی و  
السید فضل الله الیزدی الطباطبائی، دارالمنعرفه،  
۱۴۰۶ق، ج ۷-۸، ص ۸۳۲.

طبرسی راجع به فضیلت دعا و اینکه «عبادت برتر»  
است ضمن تفسیر آیه چند روایت نقل کرده که از  
آنهاست: زوی حنّان بن سدیر عن ابیه، قال قُلْتُ  
لأبی جعفر علیه السلام أئی العبادة افضل؟ قال: ما بین شیء  
أحبّ الی الله من أن یسأل و یطلب ما عنده، و ما أحد  
أبغض الی الله عزّوجلّ ممّن یستکبر عن عبادته و لا  
یسأل ما عنده».

۴- صحیفهٔ سجاده، ترجمهٔ صدر بلاغی، ناشر حسینیه  
ارشاد، ص ۴۸۳: قَسَمْتُ دُعَاءَكَ عِبَادَةً وَ تَرْكَهُ  
اسْتِكْبَارًا وَ تَوَعَّدْتُ عَلٰی تَرْكِهِ دَخُولَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ  
(دعای ۴۵).

## حال دعا

روحانی‌ترین و بهترین حال مؤمن موحد است. شیرین‌ترین لحظات عمر در دعا حاصل می‌شود. ارتباطی قلبی و یافتنی نه گفتنی، که در آن زمان بنده خود را از زندان خویش رها ساخته با تمام وجود معبود را می‌خواند. در فضای معنوی خاصی قرار می‌گیرد، که از همه گسسته و در ارتباط روحی شدید با آفریدگاری است که از رگ گردن به او نزدیک‌تر است: ﴿وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ﴾<sup>۱</sup>.

این توجه و حضور قلب حال خاص دعاست، که چون تکرار شود آثاری شگرف بر جان و روان آدمی دارد (و سطح اتکاء و توکل به خدای سبب‌ساز را بیشتر می‌گرداند، و همه نیروهای روانی را در نیل به آرمانهای شایسته انسانی بسیج می‌نماید، و نیکو مددکاری است در تقویت اراده و قدرت تصمیم‌گیری در راه نیل به کمالات انسانی و خدمات اجتماعی)<sup>۲</sup>.

## شرایط حاجت‌روایی

پیدا شدن آن‌گونه حالات روانی خوشایند شرایط و مقدماتی دارد که باید در به دست آوردنش کوشش کرد. افزون بر شرایطی که در کتب دعا نوشته‌اند، دو شرط مهم را باید یادآور شد: نخست حلال بودن کسب، که از حضرت صادق علیه السلام روایت شده: کسی که می‌خواهد از استجابت دعایش مسرور شود باید کسب او حلال و طیب باشد<sup>۳</sup>. دیگر داشتن حضور قلب و

امید زیاد (حتی یقین) به اجابت دعاست<sup>۴</sup>، که لازمه‌اش یأس و ناامیدی از توان مالی و قدرت اجتماعی و کسان و یاوران - یعنی همه چیز و همه کس - می‌باشد، و این اساس یکتابینی و یکتاپرستی است. آری چنین دعایی است که در حدیث نبوی از آن به «مغز عبادت» تعبیر شده که با وجود آن کسی به هلاکت (در دین و دنیا) نمی‌رسد<sup>۵</sup>. امام زین‌العابدین علیه السلام چه زیبا ما را از توجه به غیر خدا باز داشته و علت آن را هم بیان کرده:

«هر که در نیاز خود به یکی از آفریدگان تورو

۱ - سوره ق (۵۱) / ۱۶: و ما از شاه‌رگ [او] به او نزدیک‌تریم. این تعبیر کمال علم و قرب آفریدگار را به انسان می‌رساند. علامه طباطبایی در تفسیر آیه می‌نویسد: و هذا تقرب للمقصود بجملة ساذجة يسهل تلقنها لعامة الأفهام و إلا فأمر قربة تعالی الیه اعظم من ذلك... (الميزان فی تفسیر القرآن).

۲ - محمد مهدی رکنی، شوق دیدار، مباحثی پیرامون زیارت، بنیاد پژوهشهای اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۸۱، ص ۲۷۵.

۳ - محمد بن یعقوب کلینی، الاصول من الکافی، کتاب اندعاء، ج ۲، ص ۴۸۶، حدیث ۹، در حدیث ۸ نیز «کسب مال از راه حلال» ذکر شده.

۴ - همان، ج ۲، ص ۴۷۳ (باب الإقبال علی الدعاء)، حدیث ۱ و ۳.

۵ - الشیخ عباس الثمی، مینة البحار، اشراف علی اکبر الهی الخراسانی، مجمع البحوث الإسلامية، الطبعة الأولى، ج ۲، ص ۱۷۹، در همین مأخذ شرح آداب دعا آمده است.

کند، یا او را با جای تو وسیله برآمدن حاجت قرار دهد بی شک خود را در معرض نومیدی قرار داده و از جانب تو سزاوار محرومیت از احسان گشته<sup>۱</sup>.

در چند جمله بعد از همین دعا می فرماید:  
«پاک و منزّه است پروردگارم، چگونه نیازمندی از نیازمندی دیگر مانند خود طلب نیاز کند؟ و چگونه تهیدستی از تهیدستی دیگر گدایی نماید».

### تنوع دعاها

اهمیت زیادی که دعا در اسلام و مخصوصاً شیعه دارد، موجب نقل ادعیه گوناگونی بر حسب زمانهای خاص یا اماکن متبرکه شده که از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امیرالمؤمنین عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَام و دیگر معصومین رسیده است. در این میان مجموعه ۵۴ دعا که از امام زین العابدین و سید الساجدین عَلِيٌّ بْنُ حُسَيْنٍ عَلَيْهِمَا السَّلَام نقل شده و به نام صحیفه سجاده موسوم است اهمیت و شهرت بیشتری یافته؛ زیرا از بلاغت در معنی و صحت در انتساب برخوردار است، و از میان آنها دعای بیستم که به عنوان «دعای مکارم الأخلاق» شهرت یافته برجستگی و جذابیت خاصی دارد. به این جهت نگارنده به توضیح و شرح آن پرداخته تا بعضی از معارف و مفاهیم و الایی که برای تهذیب نفس در آن آمده نشان دهد، و فضل تقدّم معصومین از عترت پیامبر اکرم را در مباحث عرفان عملی و خودسازی یادآور شود.

### مکارم اخلاقی

پیش از پرداختن به اصل دعا باید توضیح دهیم که «مکارم اخلاق» در سیر کمالی انسان آن قدر اهمیت دارد که رسول معظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده: من برانگیخته شدم تا مکارم اخلاقی را به حد نهایی و تمامیت برسانم. مکارم اخلاقی فضیلتی برتر و مهم تر از حُسن خُلُق است؛ زیرا خود حضرت در توضیح آن فرموده اند:

«عَلَيْكُمْ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَعْثُو بِهَا، وَإِنَّ مِنْ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ أَنْ يَعْفُوَ الرَّجُلُ عَمَّنْ ظَلَمَهُ، وَيُعْطِيَ مَنْ حَرَمَهُ وَ يَصِلَ مِنْ قَطْعِهِ، وَأَنْ يَعُودَ مَنْ لَا يَعُودُ»<sup>۲</sup>.

بر شما باد به تحصیل مکارم اخلاقی؛ زیرا خدا - که عزیز و بزرگ است - مرا به ابلاغ آن برانگیخته. از جمله مکارم اخلاقی آن است که شخص از کسی که به او ستم کرده درگذرد، و به کسی که محرومش کرده عطا کند، و با کسی که از او گسسته پیوند برقرار کند، و از کسی که عیادتش نکرده عیادت نماید.

تأمل در آنچه از پایه گذار اسلام نقل شد، می فهماند که در مسائل فردی و شخصی - نه

۱ - صحیفه سجاده، دعای ۱۳: «وَ مِنْ تَوَجُّهِ بِحَاجَتِهِ إِلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ أَوْ جَعَلَ سَبَبَ نُحُجَّتِهَا دُونَكَ فَقَدْ تَعَرَّضَ لِلْجِرْمَانِ، وَ اسْتَحَقَّ مِنْ عِنْدِكَ قَوْتِ الْإِحْسَانِ... سُبْحَانَ رَبِّي كَيْفَ يَسْأَلُ مُحْتَاجٌ مُحْتَاجاً وَ أَنَّى يَرْعَبُ مُغْدِمٌ إِلَى مُغْدِمٍ؟»

۲ - امالی شیخ طوسی، ج ۲، ص ۹۲؛ به نقل از: سفینه البحار، ج ۴، ص ۲۱۵.

تضییع حقوق عمومی و ستم بر جامعه اسلامی -  
مقابله به مثل اگر جایز هم باشد، از مکارم  
اخلاقی و برخورد کریمانه مورد نظر پیامبر اکرم  
ما نمی‌باشد، و راستی که در اجتماع تا چنان  
رفتار محبت‌آمیز و بزرگووارانه معمول نشود  
زندگی خشک و رنج‌آور خواهد بود، و  
بیماریهای عصبی فراگیر می‌شود، چنان‌که در آیه  
شریفه خداوند نه تنها به «عدل» بلکه پس از آن به  
«احسان» هم امر فرموده است: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ  
بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ﴾<sup>۱</sup>.

اکنون به جملاتی از دعای مکارم الاخلاق  
توجه می‌کنیم:

### بیان مسائل اعتقادی

حضرت در ابتدای دعا به بیان مسائل  
اعتقادی چون ایمان، یقین و نیت پرداخته‌اند و به  
استوار کردن پایه‌های ایمان و اعتقاد توصیه  
می‌فرمایند.

ایمان در لغت تصدیق به قلب است<sup>۲</sup> و در  
شرح اعتقاد به دل و اقرار به زبان<sup>۳</sup>. ایمان دارای  
مراتبی است. پایین‌ترین مرتبه آن ایمان به زبان  
است که آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ  
وَرَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَى رَسُولِهِ﴾<sup>۴</sup> اشاره  
به آن دارد. مرتبه بالاتر، ایمان به تحقیق است که  
ابتدا باید تصدیق جازم حاصل شود، سپس این  
تصدیق مستلزم عمل صالح است: ﴿إِنَّمَا  
الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا  
وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ﴾<sup>۵</sup>.

مرتبه بعد ایمان به غیب است که «یومنونَ  
بِالْغَيْبِ» نظر به آن دارد. در این مرحله بصیرت  
باطنی حاصل می‌شود و از این کامل‌تر ایمان  
آنهايي است که در حق ایشان فرمود: ﴿إِنَّمَا  
الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا  
تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا \* أُولَئِكَ هُمُ  
الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا﴾<sup>۶</sup>. این مرتبه، مرتبه ایمان کامل  
است که مقارن است با یقین و حضرت هم بعد از  
ایمان کامل، برترین مرتبه یقین را می‌طلبند<sup>۷</sup>.

از کتب عرفانی تنها خواجه نصیر طوسی در  
اوصاف الأشراف به این مرحله - یعنی ایمان -  
اشاره نموده است و بقیه ظاهراً ایمان را مفروع<sup>۸</sup>  
عنه فرض نموده‌اند. اما چنین به نظر می‌رسد که  
قبل از شروع سیر و سلوک باید ایمانی ثابت و  
استوار داشت تا بتوان در این وادی طی طریق  
نمود، چنان‌که امام سجاد علیه السلام به ایمان و مراتب  
آن تصریح نموده‌اند:  
«برخی از مردم تنها به زبان اقرار به ایمان

۱- نحل (۱۶) / ۹۰.

۲- معجم مقایس اللغة. لأبي الحسين احمد بن فارس بن  
زکریا، متوفای ۳۹۵.

۳- علی بن محمد الجرجانی، اشعریات، تهران،  
انتشارات ناصر خسرو.

۴- نساء / ۱۳۶. ۵- حجرات / ۱۵.

۶- انفال / ۳ و ۴.

۷- خواجه نصیرالدین محمد طوسی، اوصاف الأشراف،  
نصیح سید نصرالله تقوی، در مطبعة دولتی آلمان  
در برلین به چاپ عکسی رسید، ۱۳۰۶ش.

دارند تا بدان وسیله جان خود را حفظ کرده و به آرمانشان دست یابند، اما ما با زبان و دل و جان به تو ایمان آوردیم»<sup>۱</sup>. «بار الها ایمانی به من عطا نما که در قلبم جای گیرد»<sup>۲</sup> «و آن را به گونه‌ای گردان که به صورت کامل و اتم باشد»<sup>۳</sup>، تا منشأ خیرات و برکات گردد.

### یقین

مسئله بعدی که حضرت به دنبال ایمان بیان می‌دارند یقین است. یقین در لغت علمی است که هیچ شکلی بدان راه نمی‌یابد<sup>۴</sup> و در اصطلاح عبارت است از ظهور نور حقیقت و رؤیت آشکار با قوه ایمان نه با حجت و برهان<sup>۵</sup>. مادام که این نور از ورای حجاب باشد آن را نور ایمان خوانند و چون پرده‌ها برافتند و از حجاب مکشوف شود آن را نور یقین دانند. در حقیقت یک نور بیش نیست، همان نور ایمان وقتی بدون هیچ حجابی در دل جای گیرد یقین نامیده شود<sup>۶</sup>. برخی از عرفا گویند: «یقین از زیادت ایمان باشد و از تحقیق آن در دل».

و برخی دیگر گویند: «یقین قرار گرفتن علمی بود در دل که تغییر بدان راه نیابد»<sup>۷</sup>.

برای یقین سه مرتبه شمرده‌اند: علم الیقین، عین الیقین و حق الیقین<sup>۸</sup>.

حضرت در این دعا بالاترین مرتبه یقین را از پروردگار خواستارند و می‌فرمایند:

«یقینم را برترین یقین قرار ده»<sup>۹</sup>، یقینی راسخ و استوار که بدان وسیله از رنج طلب آسوده

شویم»<sup>۱۰</sup>.

و در دعایی دیگر از صحیفه می‌فرمایند:  
 «پروردگارا نوری به من عطا نما که در پرتو آن در بین مردم زندگی کنم و با فروغش در هر ظلمتی راه یابم، و انوارش دلم را از شک و شبهه

۱ - «فَأَنْ فَرَمَا آمَنُوا بِالْسُنَنِمْ لِيُحَقِّقُوا بِهِ دِمَاءَهُمْ فَأَذْرُكُوا مَا آمَنُوا: وَإِنَّا آمَنَّا بِكَ بِالسُّنَنِ وَ قُلُوبِنَا...» (دعای ابو حمزه ثمالی).

۲ - «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِيْمَانًا ثَابِتًا بِه قَلْبِي» (دعای ابو حمزه ثمالی).

۳ - «و نَبِّغْ بایْمَانِي أَكْمَلَ الْإِيْمَانِ» (صحیفه سجاده، دعای ۲۰).

۴ - علی بن محمد الحرجانی، التعریفات، عبدالکریم هرازی، قشیری، رساله قشیری، ترجمه ابو علی حسن بن احمد عثمانی، تصحیح بدیع الزمان فروزانفر، تهران، شرکت چاپ و نشر علمی و فرهنگی کتیبه، ۱۳۸۱، ص ۲۷۲.

۵ - التعریفات، یقین.

۶ - عزالدین محمود کاشانی، مصباح الهدایة و مفتاح الکفایة، تصحیح استاد جلال الدین همایی، قم، چاپخانه ستاره، ص ۷۵.

۷ - رساله قشیری، ص ۲۷۱ و ۲۷۴.

۸ - کاشانی، مصباح الهدایة و مفتاح الکفایة، ص ۷۵؛ طوسی، اوصاف الاشراف، ص ۵۵.

۹ - «وَاجْعَلْ یَقِیْنِي أَفْضَلَ الْیَقِیْنِ» (صحیفه سجاده، دعای ۲۰).

۱۰ - «رُؤْهِبْ لِي یَقِیْنًا صَادِقًا تُكْفِیْنَا بِهِ مِنْ مَوْؤِنَةِ الطَّلَبِ» (همان، دعای ۲۹).

سلوک الی الله را بیان می‌فرمایند: ایمان کامل که به حد یقین برسد و نیتی خالص تا پایان عمل و عملی شایسته‌تر از اعمال دیگران. این نکات فرق اصلی تعلیمات خاندان رسالت را از دیگران نشان می‌دهد، و می‌فهماند که حتی اعمال قلبی باید تنها برای خدا باشد و دور از هرگونه هوئی یا خودنمایی و اغراض شخصی یا گروهی.

### طلب هدایت الهی

طلب هدایت الهی نکته بسیار مهمی است که به مرحله ویژه‌ای اختصاص ندارد، بلکه در تمام مراحل باید به آن عنایت داشته‌سی و قفه از پروردگار درخواست نمود؛ زیرا اگر بخواهیم در زمره موحدان مخلص به‌شمار آییم باید از او بخواهیم تا راه را به ما بنماید و «قلبان را برای پذیرش هدایت‌های الهی گشاده سازد»<sup>۸</sup>. حضرت

مطلبی که حضرت بعد از ایمان و یقین مطرح نموده‌اند نیت است. نیت در لغت به معنی قصد است، و قصد واسطه است میان علم و عمل؛ زیرا تا چیزی معلوم نباشد قصد آن نمی‌کنیم و تا قصد نکنیم به مرحله عمل در نمی‌آید. نیت به عنوان اولین گام در سیر و سلوک مطرح است، چون در ابتدای راه باید قصد هدف معینی کرد، بعد حرکت نمود. در اینجا مقصد حصول کمال است از کمال مطلق، پس نیت مشتمل است بر طلب قرب به حق تعالی؛ چرا که تنها او کامل مطلق است<sup>۲</sup>.

در کتب عرفانی از اشاره به نیت غفلت نموده‌اند، اما حضرت به آن عنایت داشته و به بهترین وجه بیان نموده‌اند:

«بار خدایا نیت مرا به لطف خود بسیار گردان»<sup>۳</sup>، «درست و استوار آن‌گونه که هیچ تردیدی به آن راه نیابد»<sup>۴</sup>. «پروردگارا نیت مرا به نیکوترین نیتها منتهی ساز»<sup>۵</sup>؛ نیتی که با قصد قربت آغاز شود و با عملی خالص و بدون هیچ شائبه خودنمایی و ریا پایان پذیرد.

«بارالها نیتم را در طاعتت استوار کن»<sup>۶</sup> «و به قدرت و تواناییات کارهایی که از من فوت شده اصلاح نما و از مؤاخذه من درگذر»<sup>۷</sup>.

چنان که می‌بینیم، امام علی بن الحسین (علیه السلام) در ابتدای دعا و نخستین جملات، پایه و اساس

۱- «وَهَبْ لِي نوراَ أَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ. وَ أَهْدِي بِهِ فِي الظُّلُمَاتِ وَ اسْتَضِيءُ بِهِ مِنَ الظُّلُمَاتِ وَ الشُّبُهَاتِ» (همان، دعای ۲۲).

۲- طوسی، اوصاف الاشراف.

۳- «اللَّهُمَّ وَ قَرِّ بِلُطْفِكَ نِيَّتِي» (صحیفه سجاده، دعای ۲۰).

۴- «وَ نِيَّةَ تُشِيدُ لَا تُشْكُ فِيهَا» (همان).

۵- «وَ أَنْتَ بِنِيَّتِي إِلَى أَحْسَنِ النِّيَّاتِ» (همان).

۶- «اللَّهُمَّ وَ ثَبَّتْ فِي طَاعَتِكَ نِيَّتِي» (همان، دعای ۳۱).

۷- «وَ اسْتَصْلِحْ بِقُدْرَتِكَ مَا فَسَدَ مِنِّي» (همان، دعای ۲۰).

۸- «وَ اسْرَحْ لِجَمْرَاتِكَ قَلْبِي» (همان، دعای ۲۳).

می‌فرمایند:

مگردان... اما به همان مقدار که عزت ظاهری  
برایم پیش می‌آوری دلت و پستی در باطن برایم  
ایجاد کن تا مبادا گرفتار کبر و غرور شوم»<sup>۶</sup>.  
«بر بندگی ات رامم ساز، و عبادتم را به آلودگی  
خودپسندی تباه مکن»<sup>۷</sup>. «خیر و نیکی را برای  
تمام مردم به دست من جاری ساز و آن را از  
کدورت منت گذاری دور دار که پاداش احسان را  
از بین ببرد»<sup>۸</sup>. «خویهای عالی را به من عطا فرما  
و از فخر فروشی محافظتم نما»<sup>۹</sup>؛ صفاتی چون:

۱- «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَعْنِي بِهْدِي  
صَالِحٍ لَا أَسْتَبِدُّ بِهِ وَطَرِيقَةٍ حَقٌّ لَا أَزِيغُ عَنْهَا»  
(همان، دعای ۲۰).

۲- «وَلَا أَضِلُّنَّ وَ قَدْ أَمُنْتُكَ هِدَايَتِي» (همان).

۳- «وَمَنْ هَدَيْتَ لَمْ يُغْوِهِ اضْلالُ الْمُضِلِّينَ» (همان،  
دعای ۵).

۴- «وَ إِنَّمَا يَهْتَدِي لِلْمُهْتَدُونَ بِنُورِ وَجْهِكَ» (همان).

۵- «اللَّهُمَّ وَأَنْطِقْنِي بِالْهَدْيِ وَالْهَمْنِي التَّغْوِي وَوَقِّنِي  
لِلَّتِي هِيَ أَزْكَى وَاسْتَعْمِلْنِي بِمَا هُوَ أَرْضَى. اَللَّهُمَّ  
اسْأَلْكَ بِبِ الطَّرِيقَةِ الْمُثَلَّى وَاسْأَلْنِي عَلَى مَلِيكَ أَمْرٌ  
وَ أَحْيِي» (همان، دعای ۲۰).

۶- «وَ أَعِزَّنِي وَ لَا تَبْتَلِيَنِي بِالْكَبْرِ... وَ لَا تَرْفَعْنِي فِي النَّاسِ  
دَرَجَةً إِلَّا حَطَطْتَنِي عِنْدَ نَفْسِي مِنْهَا، وَ لَا تُحْدِثْ لِي  
عِزًّا ظَاهِرًا إِلَّا أَحْدَثْتَ لِي ذِلَّةً بَاطِنَةً عِنْدَ نَفْسِي  
بِقَدْرِهَا» (همان).

۷- «وَ عَبَّدْنِي لَكَ، وَ لَا تُفْسِدْ عِبَادَتِي بِالْعُجْبِ» (همان).

۸- «وَ أَجْرِ لِلنَّاسِ عَلَى بَدِيِّ الْحَبِيرِ وَ لَا تَمَحَقَّهُ بِأَنْفٍ»  
(همان).

۹- «وَهَبْ لِي مَعَالِي الْأَخْلَاقِ وَ اغْصِنِي مِنَ الشُّحْرِ»  
(همان).

«بار خدایا بر محمد و آلش درود فرست و  
مرا از روشی شایسته بهره‌مند گردان که آن را با  
برنامه دیگری عوض نکنم و به راه حتی هدایت  
نما که از آن روی برتابم»<sup>۱</sup>، «چراکه تو به حقیقت  
بر هدایت من توانایی، پس مپسند که همراه  
شوم»<sup>۲</sup>.

«بارالها هر که را تو هدایت نمایی اغوای  
گمراه‌کنندگان او را از راه به در نبرد»<sup>۳</sup>؛ «زیرا  
ره‌یافتگان در پرتو نور ذات تو راه یابند»<sup>۴</sup>.

«الهی زبانم را به هدایت گویا ساز و  
پرهیزکاری را به من الهام نما و به پاکیزه‌ترین  
روش توفیق ده و به کاری وادار که بیش از هر  
چیز به آن خشنودی، بهترین راه را پیش پیام  
بگذار و مرا بر آیین خود دار تا بر آن بمیرم و زنده  
شوم»<sup>۵</sup>.

### درخواست صفات پسندیده

در این بخش، امام از پروردگار می‌خواهند تا  
خویهای نیکو و صفات پسندیده را به ایشان عطا  
کند، سپس به عنوان تکمیل این درخواست از  
خدا مسئلت دارند که قبل از اعطای مکارم  
الاخلاق، قابلیت و ظرفیت تحمل این مواهب در  
بنده به وجود آید، سپس آراسته به این صفات  
گردد، تا مبادا گرفتار صفات رذیله چون عجب،  
کبر، منت گذاری و سایر رذایل شود.

حضرت می‌فرمایند:

«ارجمندم ساز و عزیزم دار و مبتلایم به کبر

«گسترده عدل و داد، فرو نشاندن خشم، خاموش کردن آتش فتنه و دشمنی (اختلاف بین مردم)، گردآوردن دلهای از هم رنجیده، اصلاح بین مردم، رواج دادن خیر و نیکی و پنهان نمودن عیوب، نرم‌خویی، فروتنی، خوش رفتاری و وفار، حسن معاشرت، پیشی گرفتن در نیکی، ایثار در نیکی و لطف، چشمپوشی از سرزنش دیگران، بخشش بر آن که استحقاق ندارد، گفتن سخن حق اگر چه سخت باشد، کم شمردن نیکی در گفتار و کردار اگر چه بسیار باشد، بسیار شمردن بدی در گفتار و کردار اگر چه کم باشد»<sup>۱</sup>.

حضرت در پی درخواست مکارم اخلاق، اصلاح و هدایت دشمنان را از پروردگار خواستارند. ایشان عملاً شیوه گذشت و بزرگواری را به ما می‌آموزند که نه تنها پاسخ دشمنی و عداوت مقابله به مثل نیست، بلکه باید از آن هم فراتر رفته، اصلاح و هدایتشان را از پروردگار درخواست نمود.

حضرت می‌فرمایند:

«پروردگارا شدت کینه کینه‌توزان را به محبت، حسد اهل تجاوز را به مودت، بدگمانی نیکان را به اطمینان، دشمنی نزدیکان را به دوستی، بدر رفتاری خویشاوندان را به خوش رفتاری، خوار گردانیدن نزدیکان را به یاری نمودن، دوستی ظاهرسازان را به دوستی حقیقی و اهانت مصاحبان را به حسن رفتار مبدل ساز»<sup>۲</sup>.

حضرت در ادامه کرامت و بزرگواری را به بالاترین درجه رسانده، ظرایف اخلاقی را چنین

بیان می‌فرمایند:

«پروردگارا مرا توفیق ده تا با کسی که با من یکرنگی ننموده از سر اخلاص رفتار کنم»<sup>۳</sup>.

«کسی را که از من دوری گزیده به خوبی پاداش دهم، و به کسی که محروم ساخته بخشش نمایم، به آن که از من بریده ببینم، و از آن که از من غیبت نموده به نیکی یاد کنم، خوبی را سپاس گزارم و از بدی چشم‌پوشم»<sup>۴</sup>.

ایشان در دعای دیگری که درباره همسایگان و دوستان است می‌فرمایند:

۱- «فِي بَسْطِ الْعَدْلِ، وَكَيْفِ الْعَيْظِ وَإِطْفَاءِ النَّائِبَةِ، وَصَمِّ أَهْلِ الْفُرْقَةِ، وَاصْلَاحِ ذَاتِ النَّبِيِّ، وَإِشْءِ الْعَارِفَةِ، وَ سِتْرِ الْعَابِتَةِ، وَ لَبِنِ الْعَرِيكَةِ، وَخَفِضِ الْجَنَاحِ، وَحُسْنِ السَّيْرِ، وَ سُكُونِ الرِّيحِ، وَ طَيْبِ الْمُحَالَفَةِ، وَ السَّبْقِ إِلَى الْفَضِيلَةِ، وَ إِسْتِثْنَاءِ الْمُفْضَلِ، وَ تَرْكِ التَّعْبِيرِ، وَ الْإِفْضَالِ عَلَى غَيْرِ الْمُسْتَحَقِّ، وَ النُّقُولِ بِالْحَقِّ وَ إِنْ عَزَّ، وَ اسْتِغْفَالَ الْخَيْرِ، وَ إِنْ تَكْثُرَ مِنْ قَوْلِي وَ فِعْلِي، وَ اسْتِكْفَارِ الشَّرِّ وَ إِنْ قَلَّ مِنْ قَوْلِي وَ فِعْلِي» (همان).

۲- «وَ أَيْدِي مَنْ بَغَضَ أَهْلَ الشُّنَّانِ الْمَحَبَّةَ، وَ مِنْ حَسَدِ أَهْلِ الْبَغْيِ الْمَوَدَّةَ، وَ مِنْ طِنَةِ أَهْلِ الصَّلَاحِ الْبَغْضَ، وَ مِنْ عِدَاوَةِ الْأَدْنِيِّينَ الْوَلَايَةَ، وَ مِنْ عُتُوقِ ذَوِي الْأَرْحَامِ الْمَتَرَةَ، وَ مِنْ خِذْلَانِ الْأَقْرَبِيِّينَ التُّصْرَةَ، وَ مِنْ حُبِّ الْمُدَارِيَةِ تَصْحِيحِ الْمِيقَةِ، وَ مِنْ رَدِّ الْمُتْلِيسِينَ كَرَمِ الْعِشْرَةِ» (همان).

۳- «وَ سَدِّدْنِي لِأَنَّ أَعْرَاضَ مَنْ عَشَّنِي بِالنُّصْحِ» (همان).

۴- «وَ أَجْرِي مَنْ هَجَرَنِي بِالْبِرِّ وَ أُنِيبَ مَنْ حَرَمَنِي بِالْبَذْلِ وَ أَكْفِي مَنْ قَطَعَنِي بِالصَّلَةِ وَ أَخَالِفَ مَنْ اغْتَابَنِي إِلَيَّ حُسْنِ الذِّكْرِ، وَ أَنْ أَشْكُرَ الْحَسَنَةَ، وَ أُغْضِي عَنِ السَّيِّئَةِ» (همان).



«پروردگارا مرا توفیق ده که بدکارشان را به احسان پاداش دهم و از ستمکارشان با عفو و بخشایش درگذرم، درباره همه آنان حسن ظن داشته باشم... و عقیقانه چشم از خطای آنان بپوشم»<sup>۱</sup>، «و در نبودشان دوستی و محبت خود را برای آنان پنهان دارم»<sup>۲</sup>.

«آنچه برای خویشان خود واجب می دانم برای آنان نیز واجب بدانم، و آنچه را برای خواص خود رعایت می کنم برای آنان نیز رعایت نمایم»<sup>۳</sup>.

حال اگر با وجود همه این کرامتهای اخلاقی و گذشت و ایثار نسبت به دوست و دشمن، برخی دست از عداوت و دشمنی برنداشتند چه باید کرد و به که باید پناه برد؟  
حضرت می فرمایند:

«پروردگارا مرا بر کسی که به من ستم کند چیرگی ده، و با آن که با من به مجادله برخیزد زبانی گویا عطا نما، و با کسی که با من دشمنی کند پیروزی عنایت فرما، و بر آن که درباره من مکر و حيله نماید چاره سازی مرحمت کن، و بر آن که بر من مسلط شود قدرت ده، و بر آن که مرا عیب گوید توانی ده تا دروغش را آشکار سازم، و از چنگ آن که مرا بیم دهد رهایم بخش»<sup>۴</sup>.

چنان که ملاحظه می کنیم این دعاها که بهترین یادآوری و تلقین روانی است، از نظر تربیتی و معرفت آموزی نکات ظریف و باریکی را دربر دارد که در سخن غیر معصوم کمتر می بینیم.

## تجلی گاه خدمات پسندیده

نکته ای که در اینجا باید به آن توجه داشت این است که همه این صفات وقتی معنی پیدا می کند که انسان پا به عرصه جامعه گذاشته با مردم زندگی کند، نه اینکه از آنان بریده، تمام اوقات را در مساجد به اعتکاف نشیند. برخی از عرفا در مورد زهد می گویند بی رغبتی است نسبت به متاع دنیا و اعراض قلب است از مظاهر آن. زاهد دنیا را به صورت زشت و گذرا مشاهده می کند و آخرت را به صورت زیبا و ماندگار که البسته درست است، اما زهد صوفیانه روی گرداندن کلی از دنیا و پرداختن به آخرت است؛ یعنی گسستن از جامعه و گوشه عزلت گزیدن است، ولی در سنت نبوی و تعلیمات قرآنی، کار دنیوی چون به قصد قربت و خیررسانی به مردم انجام شود وجهه اخروی پیدا می کند و عبادت محسوب می شود.

۱- «اللَّهُمَّ اجْزِ بِالْإِحْسَانِ مُسِيئَتَهُمْ، وَاعْرِضْ بِانْتِجَاوِزٍ عَنْ ظُلْمِهِمْ، وَاسْتَعْمِلْ حُسْنَ الظَّنِّ فِي كَاتِبَتِهِمْ، ... وَ اَغْضُ بِنُصْرِي عَنْهُمْ عَيْتَهُ». (همان، دعای ۲۶).

۲- «وَأَسْرُ لَّهُمْ بِالْغَيْبِ مَوَدَّةً» (همان).

۳- «وَأَوْجِبْ لَهُمْ مَا أَوْجِبُ لِحَامَتِي، وَ أُرْعَى لَهُمْ مَا أُرْعَى لِحَامَتِي» (همان).

۴- «وَأَجْعَلْ لِي يَدًا عَلَى مَنْ ظَلَمْتَنِي، وَ لِسَانًا عَلَى مَنْ حَاصَمْتَنِي، وَ ظَفْرًا بَيْنَ عَائِدَتِي، وَ هَتَّ لِي مَكْرًا عَلَى مَنْ كَاذَبَنِي، وَ قُدْرَةً عَلَى مَنْ أَصْطَهَدَنِي، وَ نَكْذِبًا بَيْنَ قُصْبَتِي وَ سَلَامَةً مِمَّنْ تَوَعَّدَنِي» (همان، دعای ۲۰).

امام سجاده علیه السلام می فرمایند:

«و همه این خصلتها را به وسیله تداوم اطاعت، و همراهی جماعت مسلمانان و وا گذاشتن بدعت و عمل کننده به رأی ساختگی در دین کامل ساز»<sup>۱</sup>.

در ضمن بهره گیری از نعمتهای الهی در حد نیاز لازم و ضرور است، چنان که حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه خطاب به عاصم بن زید که ظاهراً زهد را برگزیده بود فرمودند:

«ای دشمن حقیر خویش، شیطان ناپاک خواهد که تو را گمراه کند، آیا به زن و فرزندان ترحم نمی کنی؟ پنداری که خداوند چیزهای نیکو و پاکیزه را بر تو حلال کرده، ولی نمی خواهد که از آن بهره مند گردی؟ تو در نزد خدا از آنچه پنداری پست تر هستی»<sup>۲</sup>.

امام سجاده علیه السلام نیز به مسائل ظاهری و اجتماعی در حد نیاز توجه می نمایند و می فرمایند:

«پروردگارا مرا از سختی و رنج به دست آوردن روزی کفایت کن، و روزی ام را از جایی که گمان نمی برم به من عنایت فرما»<sup>۳</sup>، «تا در راه به دست آوردن آن از بندگی ات باز نمانم و سنگینی و یال آن را به دوش نکشم و از تبعات زیان آور کسب در امان مانم»<sup>۴</sup>.

حضرت در بخش دیگری از همین دعا می فرمایند:

«پروردگارا فراخ ترین روزی را به وقت پیری نصیبم کن و قوی ترین توانایی ات را به هنگام درماندگی بهره من فرما»<sup>۵</sup>.

موضوعی که توجه به آن ضروری است این است که حضرت عنایت به این نکات را به عنوان وسیله ای برای رسیدن به هدف می دانند و در ادامه می فرمایند:

«مرا در راه عبادتت دچار سستی مکن و از تشخیص راحت ناپینا مساز، و به ارتکاب خلاف محبتت دچار مکن و میسند به کسی که از تو دور است نزدیک شوم و از آن که با تو همراه است جدا گردم»<sup>۶</sup>.

### رجا

رجا در لغت به معنای امید داشتن<sup>۷</sup> است و

۱ - «وَ أَكْمِلْ ذَلِكَ لِي بِدَوَامِ الطَّاعَةِ، وَ لَزُومِ الْجَمَاعَةِ، وَ رَفْضِ أَهْلِ الْبِدْعِ وَ مُسْتَعْمِلِ الرَّأْيِ الْمَخْتَرِ» (همان).

۲ - «يَا عَدُوَّ نَفْسِي! لَقَدْ اسْتَهَامَ بِكَ الْحَبِيبُ! أَمَا رَحِمْتَ أَهْلَكَ وَ وَتِلْكَ. أَتَرَى اللَّهَ أَحَلَّ لَكَ الطَّيْبَاتِ وَ هُوَ يَكْرَهُ أَنْ تَأْخُذَهَا؟ أَنْتَ أَهْوَى عَلَى اللَّهِ مِنْ ذَلِكَ» (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۹).

۳ - «وَ أَكْفِنِي مَوْتَةَ الْإِكْتِسَابِ، وَ أَرْزُقْنِي مِنْ غَيْرِ احْتِسَابٍ» (صحیفه سجاده، دعای ۲۰).

۴ - «فَلَا اسْتَعْلِ عَن عِبَادَتِكَ بِاطْتِنَابٍ، وَ لَا اِحْتِمَالٍ إِصْرَ تَبِعَاتِ الْمَكْسَبِ» (همان).

۵ - «وَ اجْعَلْ أَوْسَعَ رِزْقِكَ عَلَيَّ إِذَا كَبُرْتُ وَ أَقْوَى قُوَّتِكَ فَيَّ إِذَا نَصَبْتُ» (همان).

۶ - «وَ لَا تَبْلِيَّتِي بِالْكَسَلِ عَن عِبَادَتِكَ وَ لَا انْعَمَى عَن سَبِيلِكَ وَ لَا بِالْفَعْرُضِ لِخِلَافِ مَحَبَّتِكَ» (همان).

۷ - ابو جعفر احمد بن علی بن محمد المقرئ البیهقی.

در اصطلاح دل بستن به چیزی دلخواه که در آینده حاصل خواهد شد<sup>۱</sup> و متوقع بودن نیکی است از کسی که نیکویی به دست اوست.

گفته‌اند خوف و رجا به مثابه دو قدم‌اند برای سالکان که بدان قطع منازل و مراحل کنند، گاهی به قدم خوف از مهالک و قوف می‌گذرند و گاهی به قدم رجا از ورطه‌های یأس و قنوط عبور می‌کنند.<sup>۲</sup>

رجا ایمنی بود به جود کریم و دیدن جلال است به چشم جمال.<sup>۳</sup>

رجا مشتمل بر فواید بسیاری است؛ از آن جمله: باعث ترقی در درجات کمال شده و بر سرعت سیر، در طریق وصول به مطلوب می‌افزاید: ﴿يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّنْ تَبُورَ﴾ \* لِيُؤْتِيَهُمْ أُجُورَهُمْ وَيَزِيدَهُمْ مِنْ فَضْلِهِ<sup>۴</sup> همچنین مقتضی حسن ظن به مغفرت پروردگار و اطمینان به رحمت او می‌باشد.<sup>۵</sup> ﴿أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَةَ اللَّهِ﴾<sup>۶</sup>

چنان که امام سجّاد<sup>علیه السلام</sup> نیز می‌فرماید: «ای کسی که امید امیدواران از تو فراتر نرود»<sup>۷</sup>، «غیر تو کسی را نمی‌خوانم و به غیر حضرتت به احدی امید ندارم»<sup>۸</sup>. «پس آرزویم را در امید به رحمتت تحقق بخش». «الهی چون اندوهناک شوم تو دلخوشی منی و چون محروم گردم تو محل امید منی و چون غم و غصه و مصیبت بر من هجوم آرد پناهم به توست»<sup>۹</sup>.

«ای خدای من آن را که جز تو عطاکننده‌ای نمی‌یابد ناامید مکن و کسی را که از تو به غیر تو بی‌نیاز نمی‌شود بی‌یاری مگذار»<sup>۱۰</sup>، «و از اجابت

دعایم گر چه به تأخیر افتد نومیدم مکن»<sup>۱۱</sup>.

### درخواست از غیر نداشتن و توکل بر او

در این دعا به طور مستقیم درباره توکل صحبت نشده است، اما حضرت با عباراتی که بیان‌کننده این معناست به آن اشاره نموده‌اند. توکل در لغت به معنای اطمینان داشتن است به آنچه در خزاین الهی می‌باشد و نومیدی از

→ تاج المصادر، به تصحیح و تحشیه هادی عالم زاده، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۶ ش، ص ۹۰.

۱ - رساله قشیریه، ص ۱۹۹.

۲ - کاشانی، مصباح الهدایة و مفتاح الکفایة، ص ۳۹۵.

۳ - رساله قشیریه، ص ۱۹۹.

۴ - فاطر / ۲۹ و ۳۰.

۵ - طوسی، اوصاف الاشراف، ص ۳۹.

۶ - بقره / ۲۱۸.

۷ - «وَ يَا مَنْ لَا يُجَاوِزُهُ رَجَاءُ الرَّاجِينَ» (صحیفه سجّادیه، دعای ۳۱).

۸ - «فَلَا أَدْعُوا سِوَاكَ وَلَا أَرْجُو غَيْرَكَ» (همان، دعای ۵۱).

۹ - «اللَّهُمَّ أَنْتَ عُدَّتِي إِنْ خَذَلْتَنِي وَ أَنْتَ مُنْتَجَعِي إِنْ خَرِمْتَ وَ بِكَ اسْتِغَاثَتِي إِنْ كَرِهْتَ» (همان، دعای ۲۰).

۱۰ - «الْهَى لَا نُحَيِّبُ مَنْ لَا يَجِدُ مَعْطِياً غَيْرَكَ، وَ لَا تَخْذُلُ مَنْ لَا يَسْتَعْنِي عَنكَ بِأَحَدٍ دُونَكَ» (همان، دعای ۱۶).

۱۱ - «وَ لَا أَيْسَأُ مِنْ إِجَابَتِكَ لِي وَ إِنْ أَبْطَأَتْ عَنِّي» (همان، دعای ۲۱).

آنچه در دست مردمان است<sup>۱</sup>. در اصطلاح مراد از توکل، تفویض امر است به وکیل علی الاطلاق و اعتماد بر کفالت او. متوکل حقیقی کسی است که در نظر او جز وجود مسبب الاسباب وجودی دیگر ننگند و توکل او با وجود اسباب و عدم آن تغییر نکند<sup>۲</sup>.

توکل دارای سه درجه است: توکل، تسلیم و تفویض. متوکل به وعده آرام گیرد، صاحب تسلیم به علم وی اکتفا کند و صاحب تفویض به حکم وی رضا دهد. توکل صفت مؤمنان است، تسلیم صفت اولیاء و تفویض صفت موحدان است<sup>۳</sup>.

عارف علم، قدرت و اراده خود را از جمله اسباب و شروطی می داند که در ایجاد برخی از امور نقش دارند که او آن امور را به خود نسبت می دهد، اما در واقع توسط او کاری که موجد و محبوب او خواسته، انجام گرفته است. در اینجاست که جبر و قدر متحد شوند؛ چه اگر کار را به موجد نسبت دهد جبر به ذهن آید و اگر به شرط و سبب نسبت دهد قدر به ذهن آید، اما اگر دقت شود، نه جبر مطلق است و نه قدر مطلق، و این است معنای «لا جبرَ وَ لا تَفْوِیضَ بَلْ أَمْرٌ بَيْنَ الْأَمْرَيْنِ»<sup>۴</sup>.

گویند شرط توکل آن است که خود را در دریای عبودیت افکنی و آرام گیری، اگر دهد شکر کنی و اگر باز گیرد صبر نمایی<sup>۵</sup>. حضرت سجاد نیز از سر اخلاص با معبود حقیقی به راز و نیاز می پردازند و تنها از او درخواست می نمایند:

«ای مولای من اعتمادم، تکیه ام، امیدم و

توکلم بر توست»<sup>۶</sup>. «به تو توکل می کنم و بر وجود و کرم اعتماد می نمایم».

«به وقت نیاز به گدایی از تو برخیزم، و در بیچارگی به پیشگاه تو بنالم. مرا چون مضطر شوم به کمک خواستن از غیر خود و چون فقیر شوم به فروتنی برای درخواست از غیر خود و چون بترسم به زاری کردن به درگاه غیر خود آزمایش مفرما»<sup>۷</sup>.

«بارخدایا آبرویم را به توانگری حفظ کن، قدر و منزلتم را به تنگدستی پست مفرما، که از روزی خوارانت روزی طلبم و از اشرار خلقت عطا و بخشش خواهم، تا به ستایش آن که به من عطا کرده گرفتار و به سرزنش آن که از من منع نماید مبتلاگردم، در حالی که بخشش و منع عطا

۱ - جرجانی، التعریفات.

۲ - کاشانی، مصباح الهدایة و مفتاح الکفایة، ص ۳۹۶-۳۹۷.

۳ - رساله قشیریه، ص ۲۷۱ و ۲۷۴.

۴ - طوسی، اوصاف الاشراف.

۵ - ترجمه رساله قشیریه با تصحیحات بدیع الزمان فروزانفر، انتشارات علمی - فرهنگی، چاپ سوم: ۱۳۶۱، رساله قشیریه، ص ۲۴۸.

۶ - «سَبَدی عَلَیْکَ مُعْتَمِدِی وَ مُتَوَكِّلِی ذِ زَجَائِی وَ تَوَكَّلِی».

۷ - «أَسْأَلُکَ عِنْدَ الْحَاجَةِ، وَ أَتَضَرَّعُ إِلَیْکَ عِنْدَ الْمُسْکِنَةِ، وَ لَا تَلْفِئْنِی بِالْإِسْتِعَانَةِ بِغَیْرِکَ إِذَا اضْطَرَّرْتُ، وَ لَا بِالْخُضُوعِ لِسُؤَالِ غَیْرِکَ إِذَا افْتَقَرْتُ، وَ لَا بِالْتَضَرَّعِ إِلَى مَنْ دُونَکَ إِذَا رَهَبْتُ» (صحیفه سجاده، دعای ۲۰).

وقف حریم مقدس توست»<sup>۱</sup>.

«ای مولای من مرجع خواهش من تویی نه هیچ مسئول دیگر، و برآورنده نیازم تویی نه هیچ مطلوب الیه دیگر. پیش از آن که کسی را بخوانم تو را می خوانم و بس»<sup>۲</sup>. «دعایم را به سویم بر مگردان، زیرا من برایت مخالفی قرار نمی دهم و با وجود تو شریک و انبازی را نمی خوانم»<sup>۳</sup>.

جاری می سازد از فحش و بدگویی و دشنام به آبروی کسی یا شهادت ناحق یا غیبت از مؤمن غایب یا ناسزا به شخص حاضر و مانند اینها، سخن در سپاس تو گویم و مبالغه در ثنای تو ورزم و با تمام هستی خود ستایش بزرگی تو گویم و شکر نعمت تو به جای آورم و اعتراف به احسان تو نمایم و به شمردن نعمتهای تو پردازم»<sup>۴</sup>.

### پناه بردن به خدا از وسوسه های شیطانی

شیطان یکی از بزرگ ترین دشمنان انسان است که از آغاز خلقت آدم کینه دیرینه به دل دارد و قسم یاد کرده که فرزندان آدم را از صراط مستقیم بلغزاند. او نخستین تجربه اش را درباره آدم و حوا به اجر گذاشت، «فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ»<sup>۴</sup>.

در اینجا است که پناه بردن به خداوند از شر چنین موجودی ضرور به نظر می رسد. این نکته ای است که عرفا در تبیین مراحل سیر و سلوک از آن غفلت نموده اند، ولی امام سجاده علیه السلام در ادعیه شان به این دقایق و ظرایف اشاره نموده اند و می فرمایند:

«بارخدا یا به تو پناه می برم از فتنه انگیزیهای شیطان رانده شده و از حيله و مکرهای گوناگونش و از تکیه کردن به آرزوها و وعده ها و فریب او و در افتادن به دامهایش»<sup>۵</sup>. «الهی عنایت کن به جای آنچه شیطان در دلم می افکند از آرزوی باطل و بدگمانی و حسد، یاد عظمت تو کنم و در قدرت تو بیندیشم و در دفع دشمنانت چاره سازی نمایم. و به جای آنچه شیطان بر زبانم

۱ - «وَصُنْ وَجْهِي بِإِيْسَارٍ، وَ لَا تَبْتَذِلْ جَاهِي بِالْإِفْتَارِ. فَاسْتَرْزُقْ أَهْلَ رِزْقِكَ، وَ اسْتَغْطِبْ شِرَارَ خَلْقِكَ، فَأَقْتِنِ بِحَمْدِ مَنْ أَعْطَانِي، وَ أَبْتَلِنِ بِذَمِّ مَنْ مَنَعَنِي. أَنْتَ مِنْ دُونِهِمْ وَلِيُّ الإِعْطَاءِ وَ الْمَنَعِ» (همان).

۲ - «فَأَنْتَ يَا مَوْلَايَ دُونَ كُلِّ مُسْتَوْلٍ مُوَضِعٍ مُسْتَلْتِي، وَ دُونَ كُلِّ مُطْلُوبٍ إِلَيْهِ وَلِيُّ حَاجَتِي. أَنْتَ الْمَخْصُوصُ قَبْلَ كُلِّ مَدْعُوٍّ بِدُعْوَتِي» (همان، دعای ۲۸).

۳ - «وَلَا تُرَدِّ دُعَايَ عَلَيَّ رَدًّا، فَآتِنِي لِأَجْعَلَ لَكَ ضِدًّا، وَ لَا أَدْعُوا إِلَيْكَ بَدًّا» (همان، دعای ۲۰).

۴ - بقره / ۳۶.

۵ - «اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ نَزَعَاتِ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَ كَيْدِهِ وَ مَكَائِدِهِ، وَ مِنْ التَّقَةِ بِأَمَانِيهِ وَ مَوَاعِيدِهِ وَ غُرُورِهِ وَ مَصَائِدِهِ» (صحیفه سجاده، دعای ۱۷).

۶ - «لَلَّهِمَّ اجْعَلْ مَا يَلْقَى الشَّيْطَانُ فِي رُوعِي مِنَ التَّمَنِّي وَ النَّظَنِّي وَ الْحَسَدِ ذِكْرًا يُعْظِمُكَ، وَ تَتَكَرَّرُ فِي قُدْرَتِكَ، وَ تَدْبِيرًا عَلَيَّ عَدُوِّكَ، وَ مَا أَجْرِي عَلَيَّ يَسَانِي مِنْ لَفْظَةٍ فُحْشٍ أَوْ هُجْرٍ أَوْ شَتْمٍ عَرِضٍ أَوْ شَهَادَةٍ بَاطِلٍ أَوْ اغْتِيَابٍ مُؤْمِنٍ غَائِبٍ أَوْ سَبِّ حَاضِرٍ وَ مَا أَشْبَهَ ذَلِكَ بِالْحَمْدِ لَكَ وَ إِغْرَافًا فِي النَّاءِ عَنكَ، وَ ذَهَابًا فِي تَمَجُّدِكَ وَ شُكْرًا لِيُعْمِنَكَ وَ اعْتِرَافًا بِإِحْسَانِكَ وَ إِحْصَاءَ لِيَمِينِكَ» (همان، دعای ۲۰).